رصد

بررسی تحرکات غرب در حوزه مهدویت و آخرالزمان گرایی

شماره چهاردهم | تابستان ۱۴۰۳





سخن سردبیر

بسم الله الرحمن الرحیم

عملیات وعده صادق یا حمله موشکی ایران به اسرائیل که در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۲۴ مصادف با ۲۶ فرودین ۱۴۰۳ صورت پذیرفت، بدون شک نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ جهان پس از آغاز هزاره جدید است. این عملیات که نخستین رویارویی مستقیم ایران و اسرائیل و نیز بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین حمله پهپادی جهان دانسته می‌شود، آنچنان موج مؤثر و تأثیر عمیقی در عرصه جهانی ایجاد کرد که بسیاری را انگشت به دهان گذارد و محاسبات مختلف نظامی، سیاسی و امنیتی اسرائیل و حامیان غربی آن را به هم ریخت.

کارشناسان منطقه‌ای و بین‌المللی در تحلیل پاسخ تاریخی و بی‌سابقه ایران، آن را فصل جدیدی در معادلات و قواعد منطقه دانسته‌اند؛ از جمله مرشایمر، نظریه‌پرداز و اندیشمند آمریکایی حوزه روابط بین‌الملل که چندی پیش درباره عملیات وعده صادق گفته بود: «این اولین‌بار است که کشوری قادر شده از سرزمین خود به اسرائیل حمله کند. این از منظر اسرائیل، واقعاً شوکه‌کننده است. بعد از ۱۴ آوریل بازدارندگی رژیم صهیونیستی به شدت آسیب دید.»[1] بی‌سبب نیست که مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت تاریخی و راهبردی عملیات تنبیهی ایران علیه رژیم صهونیستی تأکید کردند که تاریخ منطقه غرب آسیا را باید به دو بخش قبل و بعد از عملیات وعده صادق تقسیم کرد!

نتایج این عملیات عظیم را نباید در تعداد موشک‌ها یا پهپادهای شلیک شده یا به هدف خورده سنجید؛ بلکه شکست تاریخی رژیم جعلی اسرائیل که از جمله قوی‌ترین نیروهای نظامی منطقه و جهان قلمداد می‌شد و نیز تغییر محاسبات دشمن صهیونیستی-غربی در اینکه ایران و دیگر نیروهای مقاومت در تحقق وعده‌های خود صادق هستند، از مهم‌ترین ثمرات این عملیات بود. یکی دیگر از نتایج مهم وعده صادق، تخریب سال‌ها تلاش رسانه‌های اوانجلیستی غربی در اینکه اسرائیل و مردمانش همگی قوم خدا و تحت حمایت‌های همه‌جانبه او بوده و شکست‌ناپذیرند. تأثیر جنایت‌های مکرر رژیم صهیونیستی در باریکه غزه از یک سو و سردرگمی و شکست‌های مکرر این رژیم پس از طوفان الاقصی که بارزترین آن در جریان وعده صادق تجلی یافت، ابهت پوشالی اسرائیل را چنان در هم شکست که به اعتراف سران و حامیان آن، غیر قابل جبران است.

همه اینها نتیجه ایمان و اطمینان به وعده‌های عظیم الهی است؛ وعده‌هایی که ما بارها و بارها در کلام الهی آنها را دیده و خوانده‌ایم: «وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»[2] ، «يَاأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقدَامَكُمْ»[3] و ..... آری! باید به خدا اطمینان داشت و به او توکل کرد که «تو را است معجزه در کف زِ ساحران مهراس * عصا بیفکن و از بیم اژدها مگریز[4]»

۱.هفته‌نامه خط حزب الله، شماره ۴۴۱.
۲.سوره حج، آیه ۴۰.
۳.سوره محمّد، آیه ۷.
۴. شعری که مقام معظم رهبری در آستانه این عملیات در یکی از جلسات بدان اشاره کردند.

رصد

فهرست مطالب
شماره چهاردهم

- سخن سردبیر
- عملیات وعده صادق، غربی‌ها چه می‌گویند؟
- انجمن «جنگ‌های صلیبی»؛ نمونه‌ای از فعالیت گسترده جریان اوانجلیستی در غرب
- جیمز پارکر و الگویی تکراری در ایجاد ترس از منجی اسلامی
- حرارت شعله فروزان حادثه کربلا از منظر غربیان
- زئوف ماگن و مطالعه ایران انقلابی!
- فیلم تل ماسه، نمونه‌ای آشکار برای تخریب امام مهدی (ع) در سینمای هالیوود

شناسنامه

سردبیر و ناظر محتوایی:
حجت الاسلام و المسلمین زهیر دهقانی آرانی
هیئت تحریریه: خانم اسلامی، مسعود زائری
صفحه آرایی: حامد خاکپور
تهیه شده در: مؤسسه فرهنگی «عصر موعود»
به سفارش معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
سایت: http://westandmahdism.ir
ایمیل: westandmahdism@chmail.ir



عملیات وعده صادق غربی‌ها چه می‌گویند؟

زهیر دهقانی آرانی

عملیات موشکی موفق و پیروزمندانه سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم غاصب صهیونیستی که از آن با عنوان «وعده صادق» نام برده می‌شود، بدون شک یکی از نقاط عطف تاریخی، نه تنها برای کشور عزیزمان بلکه برای جهان اسلام به شمار می‌آید. پس از عملیات وعده صادق، بررسی ابعاد آن در دستور کار بسیاری از مؤسسات پژوهشی و افراد مختلف جهان قرار گرفت و هر کدام با توجه به رویکرد خاص خود به واکاوی و تحلیل این اتفاق پرداختند.



از جمله این افراد می‌توان به تیموتی فرنیش، استاد دانشگاه جورجیا در آمریکا اشاره کرد. وی که دارای سوابق مطالعاتی و نوشتاری در موضوع آخرالزمان اسلامی-شیعی است و نگاه منفی و همراه با دشمنی او نسبت به این موضوع در بیشتر آثارش قابل مشاهده می‌باشد، این بار نیز به بهانه عملیات وعده صادق به موضوع رابطه ایران و اسرائیل پرداخته و به صورتی کاملاً صریح و بی‌پرده به بیان نظرات خود در این رابطه پرداخته است. فرنیش در نوشته جدیدش که در سایت stream.org منتشر کرده، از همان ابتدا نگاه صریح و منفی خود را با عنوان مقاله، در معرض چشم خوانندگان قرار می‌دهد: «اشتباه نکنید: اسرائیل طرف خوب در نبرد جدید با ایران است[1]»

فرنیش در ابتدای این مقاله ضمن نفی انگیزه‌های تقابلی ایران با اسرائیل از جمله هم‌مرز نبودن، عرب نبودن ایرانیان[2] و...، به بیان تاریخچه شکل‌گیری دشمنی آنها می‌پردازد و دلایلی از جمله ارتباط حکومت پهلوی با صهیونیست‌ها، حمایت اسرائیل از بهاییان، یهودی بودن دجال بر اساس منابع اسلامی و... را از جمله مهم‌ترین دلایل آغازین دشمنی میان ایران و اسرائیل برمی‌شمارد.

فرنیش در ادامه ضمن بیان متحدان ایران از جمله عراق، سوریه، روسیه و چین، تحریک اسرائیل در پاسخگویی پر زرق و برق و گسترده به عملیات وعده صادق را امری مذموم می‌داند که محکوم به شکست است و حتی در نگاه الهیاتی مسلمانان این امر موجب بازگشت منجی آنها خواهد شد. وی در ادامه و در مقام ارائه راهکار برای حمایت از اسرائیل به نقد محور قرار دادن نگاه الهیاتی کتاب مقدس در زمینه حمایت از یهودیان می‌پردازد و آن را موجب تفرقه و دو دستگی می‌داند؛ زیرا معتقد است بسیاری از مسیحیان با این تفسیر از کتاب مقدس مخالف هستند و همین امر موجب می‌شود در حمایت از دولت یهودیان و اسرائیل اتفاق نظری حاصل نشود. فرنیش مخاطبان خود را به حمایت کاملاً عامیانه و غیر ایدئولوژیک از اسرائیل فرا می‌خواند و می‌گوید:

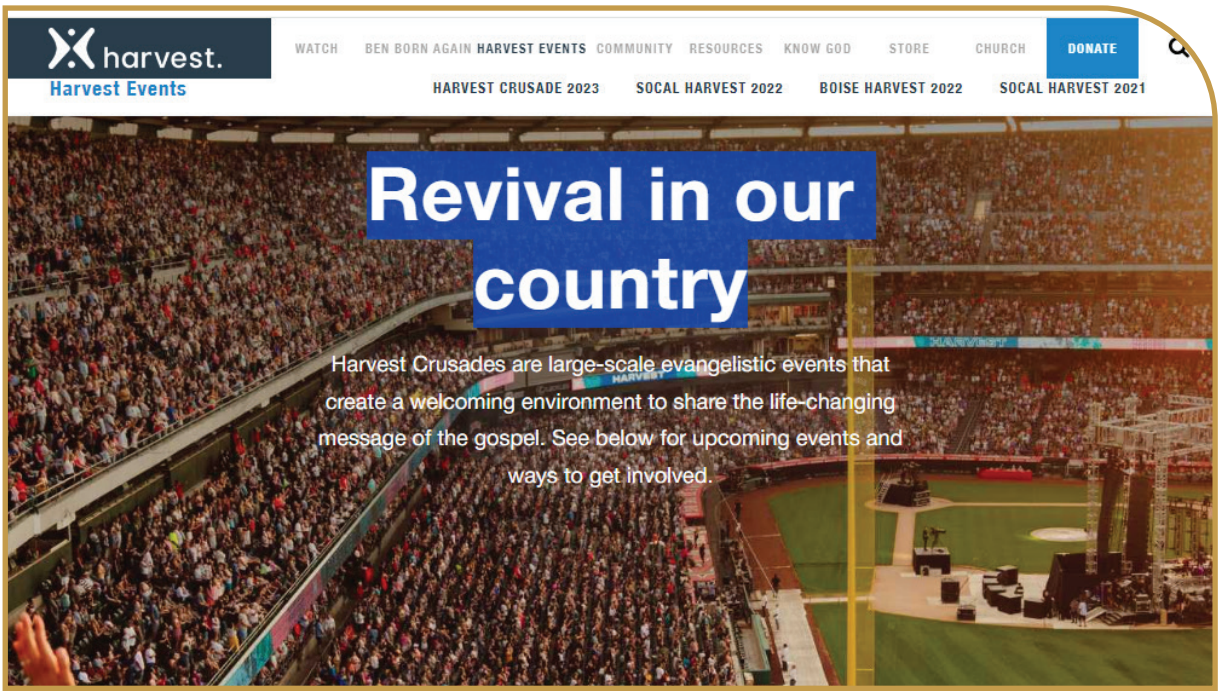
بیایید کشمکش و رقابت درتفسیرهای کتاب مقدس در مورد دولت مدرن یهودی را کنار بگذاریم و به دلایل کاملاً عامیانه از اسرائیل حمایت کنیم. این متحد ما یعنی اسرائیل، یک حکومت دموکراسی، با ارزش‌های غربی است و مورد حمله یک دولت اسلامی بزرگ، قدرتمند و آخرالزمانی قرار گرفته است. اجازه ندهیم اختلافات میان ما مسیحیان، تشخیص ما را در اینکه طرف حق در این درگیری چه کسی است، دچار اختلال نماید.

جالب آنست تیموتی فرنیش در بخش‌هایی از مقاله و بدون ارتباط به موضوع مورد بحث، چندین بار نام امام غایب یا امام دوازدهم را ذکر کرده و دشمنی ایران با اسرائیل را برگرفته و مرتبط با نگاه آخرالزمانی اسلامی معرفی می‌کند. مشابه چنین کاری در نوشته‌های مختلف فرنیش به ویژه در سایت پیشین او یعنی Mahdiwatch.org بارها اتفاق افتاده است.

باید توجه داشت وقایع چند ماه گذشته و خصوصاً ماجرای هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و اتفاقات پس از آن به ویژه عملیات وعده صادق تاکنون موجب اتفاقات و شگفتی‌های بسیاری در جامعه جهانی شده است. از جمله مهم‌ترین این پیامدها، آشکارتر شدن صف‌بندی‌های جبهه حق و باطل است که آشکارا قابل رؤیت می‌باشد. جوامع غربی حامی اسرائیل و صاحب‌منصبان علمی و رسانه‌ای وابسته به این تفکر، در این مدت تمام تلاش خود را برای جلب حمایت عمومی از دولت غاصب صهیونیستی مبذول داشته‌اند که نوشته تیموتی فرنیش نیز گامی در همین راستاست.

1.https://stream.org/make-no-mistake-israel-is-the-good-guy-in-the-new-fight-with-iran.

۲.زیرا اعراب بیشتر با اسرائیل در جنگ بوده اند و بر همین اساس انگیزه‌های دشمنی بیشتری دارند



انجمن «جنگ‌های صلیبی»؛ نمونه‌ای از فعالیت گسترده جریان اوانجلیستی در غرب

مسعود زائری

انجمن Harvest Crusades (جنگ‌های صلیبی) از جمله فعال‌ترین جریان‌های مذهبی در میان مسیحیان کشورهای غربی به‌ویژه آمریکاست. این مؤسسه که عمدتاً تحت اشراف کشیش گرگ لوری[1] می‌باشد، با برگزاری رویدادهای سالیانه سعی در نشر و گسترش پیام‌های انجیلی در سراسر جهان دارد. در توصیف این انجمن آمده است:

«جنگ‌های صلیبی» رویدادهای تبشیری در مقیاس بزرگ هستند که محیطی دلپذیر را برای به اشتراک گذاشتن پیام تغییر زندگی به واسطه فرامین انجیل ایجاد می‌کنند.[2]

انجمن جنگ‌های صلیبی که از سال ۱۹۹۰ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد، هر ساله رویدادهای تبلیغی را در مقیاس گسترده‌ای برگزار می‌کند. این رویدادها عمدتاً در استادیوم‌های بزرگ ورزشی برگزار می‌شود و دارای بخش‌های متنوعی همچون اجرای موسیقی‌های مذهبی، دعوت از مهمانان ویژه، اجرای مراسم پند و موعظه توسط کشیک لوری و موارد دیگر می‌باشد.

مطالعه تجربه‌های حضور مخاطبان در این رویدادها نشان از عمق اثربخشی آن دارد. به عنوان نمونه، یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «این [رویداد] شگفت‌انگیز است، احساس می‌کنم تمام شهر اینجا با هم هستند. در واقع، بیشتر شبیه یک شهر است که برادران و خواهران در یک مکان جمع شده‌اند. من واقعاً احساس می‌کنم روح القدس اینجاست.» و یا شخص دیگری بیان می‌کند: «همیشه فکر می‌کردم خدا چیزی است که نمی‌توانم بفهمم، بعد از امشب به جای گوش‌هایم با قلبم گوش دادم و مشخص شد من در زندگی به عیسی نیاز داشتم، نه فردا، نه پنج دقیقه دیگر، بلکه همین الان!»

1.Greg Laurie
2.https://harvest.org/events/



گرگ لوری و انجمن جنگ‌های صلیبی فعالیت‌های خود را به برگزاری رویدادهای تبلیغی سالیانه محدود نکردند و سعی در گسترش مخاطبان به واسطه رسانه‌های صوتی-تصویری نموده‌اند. بر این اساس در سال ۲۰۲۰ حتی به تولید یک فیلم سینمایی روی آوردند تا بتوانند محتوای تبلیغی خود را به واسطه این ابزار فراگیر و تاثیر گذار به گوش بسیاری از مردم جهان برسانند.

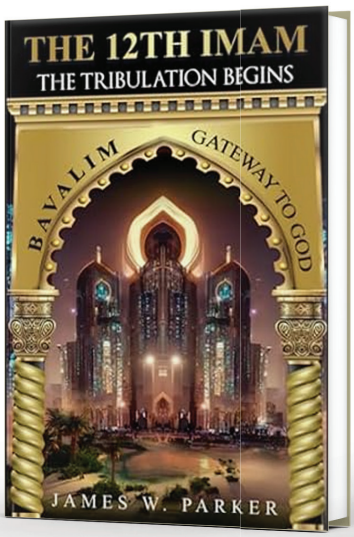
فیلم "A Rush of Hope; Find Answers to Life's Questions" (هجوم امید: پاسخ سؤالات زندگی را بیابید) ساخته شده در سال ۲۰۲۰ که با آمار بازدید ۴ میلیون نفری مورد استقبال قرار گرفت، به اذعان سازندگان آن قرار است به عمیق‌ترین سؤالات مخاطبان خود از جمله اینکه «چرا من اینجا هستم؟ بعد از مرگ من چه اتفاقی می‌افتد؟ و آیا امیدی برای امروز وجود دارد؟» پاسخ دهد. اهمیت این فیلم تا اندازه‌ای بود که وزیر خارجه وقت آمریکا یعنی مایک پمپئو پیش از اکران فیلم در توییتی نوشت: «کشیش گرگ لوری به کشور ما امید می‌آورد».

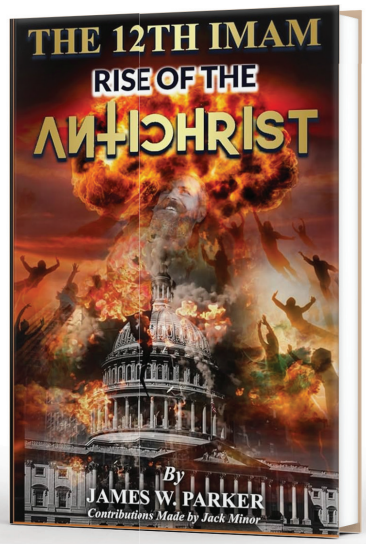


اما در این میان شناخت عقائد مذهبی شخص اول انجمن جنگ‌های صلیبی و حمایت‌های بی چون و چرای سیاست‌مداران آمریکایی از وی نشان از موضوعی مهم دارد. گرگ لوری که در بسیاری از مصاحبه‌ها و مراسمات مذهبی خود همواره به جایگاه اسرائیل و حفظ مالکیت سرزمین‌های اشغالی توسط صهیونیست‌ها تأکید داشته است، عقاید اوانجلیستی پر رنگ و برجسته‌ای دارد. وی در موعظه‌های خود مسیحیان را به حمایت از صهیونیست‌ها دعوت می‌کند و شرط ظهور عیسی مسیح را بازگشت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی بیان می‌کند.

امروزه جریان اوانجلیستی (صهیونیست مسیحی) با فعالیت گسترده همراه با حمایت‌ها و پشتوانه‌های وسیع دولتی توانسته است تأثیرگذاری فراوانی بر افکار عمومی جهان غرب داشته باشد و عقائد طیف گسترده‌ای را به سمت خود سوق دهد. به نظر می‌رسد رصد فعالیت‌های چنین مؤسسات و افرادی برای فهم و تحلیل و در صورت نیاز اقدام مناسب در قبال ایشان، امری ضروری است.

جیمز پارکر و انتخاب الگویی تکراری در ایجاد ترس از منجی اسلامی





دو کتاب جیمز پارکر در مورد امام دوازدهم (ع)

خانم اسلامی

روند رو به رشد گرایش به اسلام و همچنین نشر و گسترش موضوعات اسلامی در سطح جهان، باعث شده است تا افراد مختلفی در جهان غرب با انگیزه‌های گوناگون، به مطالعه و تحقیق در مورد دین اسلام گرایش پیدا کنند. اما در میان تمام مباحثی اسلامی که مورد توجه غربی‌ها قرار گرفته است، موضوع آخرالزمان و منجی اسلامی، دارای جایگاه برجسته و ویژه‌ای می‌باشد.



جیمز پارکر[1] از جمله افرادی است که در سال ۲۰۰۶ به موضوع آخرالزمان اسلامی علاقه‌مند شد و به مطالعه و نگارش کتاب در این زمینه روی آورد. او مدعی است اطلاعات خود از پیشگویی‌های اسلامی در مورد آخرالزمان را با چندین دهه تجربه مطالعه کتاب مقدس ترکیب کرده تا نگاهی قانع‌کننده به رویدادهای آینده از منظری تازه و منحصر به فرد داشته باشد. نکته قابل توجه در مورد وی این است که پارکر تحصیلات آکادمیک در این زمینه نداشته و تخصص او در حوزه‌های بهداشتی-درمانی و همچنین آهنگ‌سازی است.[2] پارکر در موضوع آخرالزمان اسلامی دو کتاب با عناوین "The 12th Imam: Rise of the Antichrist" (امام دوازدهم، قیام ضدمسیح) و "The 12th Imam: The Tribulation Begins" (امام دوازدهم، [دوران] رنج و محنت آغاز می‌شود) را به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۲۲ به رشته تحریر درآورده است.

این نویسنده آمریکایی در کتاب نخست، در مسیر بیان اعقادات افراطی خود به تبعیت از اشخاصی مانند جوئل ریچاردسون، پای در مسیر تطبیق امام دوازدهم با شخصیت ضد مسیح در آیین مسیحیت می‌گذارد و ادعا می‌کند که دیدگاه اسلام (و به طور خاص مذهب تشیع) درباره امام دوازدهم با جزئیات کتاب مقدس در مورد ضدمسیح مطابقت دارد. وی این تفکر را القا می‌کند که امام دوازدهم، از چاه جمکران و از خوابی نزدیک به ۱۲۰۰ ساله باز می‌گردد. او اسلام را دینی معرفی می‌کند که از همان ابتدا سعی در تسخیر جهان داشته است. ایران نیز یکی از بزرگ‌ترین کشورهای شیعه است که به ظهور امام دوازدهم اعتقاد دارد؛ رهبری که در آینده می‌آید و در آخرالزمان هفت سال بر کل جهان حکومت می‌کند.

پارکر در همین راستا و در تکمیل بیان نظریه‌اش، به ترسیم یک فضای آخرالزمانی در کتاب اخیر خود می‌پردازد که در آن آمریکا ویران شده و امام دوازدهم به سرعت در حال حرکت است تا کنترل نهایی خود را بر جهان برقرار کند. در همین حال و در اوضاعی که آمریکا با ۳ حمله هسته‌ای در آستانه نابودی کامل قرار گرفته است و از سوی دیگر امام مهدی می‌جنگد تا کنترل کاملی بر جهان برقرار کند، اسرائیل به آرامی شروع به بازگشت به سوی خدا می‌کند و متوجه می‌شود که عیسی واقعاً همان مسیحای مورد انتظار است و به انتشار و تبلیغ کلام خداوند در میان جامعه بشریت می‌پردازند. نویسنده این کتاب به تبعیت از اشخاص دیگری مانند ریچاردسون، روزنبرگ، هیچکاک و ... پای در مسیری مغرضانه گذاشته و سعی می‌کند با استفاده از ابزارها و ترفندهای تأثیرگذار رسانه‌ای، به فریب افکار عمومی جهان در راستای ایجاد دشمنی و نفرت با مسلمانان و منجی آخرالزمانی اسلامی بپردازد.

تلاش گسترده و بدون وقفه مجامع غربی در راستای مقابله و تخریب چهره حقیقی و آسمانی امام مهدی (ع) از واقعیت‌های غیر قابل انکار جهان امروز است و مسئولیت قشرهای مختلف مسلمانان را سنگین کرده تا هرکس در هر جایگاهی و با هر ابزار و وسیله‌ای که در دست دارد، به مقابله با این حجم از تخریب‌ها بپردازد و با استفاده از روش‌های بدیع و جذاب به معرفی شخصیت حقیقی امام مهدی(ع) در جهان بپردازد.

1.James Parker
2.https://www.authorsden.com/visit/author.asp?AuthorID=215810



حرارت شعله فروزان حادثه کربلا از منظر غربیان

گروه غرب و مهدویت مرکز تخصصی مهدویت



ماجرای کربلا و حادثه حماسی عظیم آن، بسیاری آزادگان را از مذاهب و ملیت‌های مختلف در سراسر جهان به سمت خود جلب کرده است. از جمله این افراد کریستوفر کلوهسی است.

کریستوفر پاول کلوهسی[1] یک کشیش کاتولیک آفریقای جنوبی است که از مؤسسه مطالعات عربی و اسلامی در شهر رم مدرک دکترا داشته و عضو هیئت علمی آن می‌باشد. علاقه او نسبت به پیشوایان و شخصیت‌های مهم شیعی باعث شده تاکنون چهار کتاب مهم در این زمینه به رشته تحریر درآورد

دو کتاب «شتاب فرشتگان، رؤیاهای کربلا»[2] و «نیمی از قلب من، روایت زینب دختر علی»[3] از جمله آثار کریستوفر کلوهسی پیرامون موضوع امام حسین (ع) و حادثه کربلاست که در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۰ نگاشته و با استقبال عمومی خوبی نیز مواجه شد. اما این محقق در جدیدترین تألیف خود که در ماه می سال ۲۰۲۴ منتشر شده است، این بار سراغ شخصیت مقدس حضرت عباس بن علی(ع) رفته است.

کتاب «جلودار؛ اباالفضل العباس»[4] عنوان جدیدترین اثر کلوهسی است که با محوریت شخصیت حضرت عباس(ع) نگاشته شده است. نویسنده در این اثر سعی کرده ضمن معرفی کامل شخصیت حضرت عباس(ع) و همچنین معرفی مادر و برادرانشان، به بیان ویژگی‌ها و اوصاف اخلاقی ایشان بپردازد. وی به طور مفصل به نقش حضرت عباس(ع) در جریان کربلا پرداخته است و ایشان را نمونه یک شخصیت کاملاً فدایی و از خود گذشته معرفی می‌کند که سعی دارد همواره موجودیت خود را تحت لوای برادرشان یعنی امام حسین (ع) معنا کند.

ایفای نقش آب‌آوری و یا همان سقایی امام حسین (ع) از جمله مواردی است که برای کلوهسی بسیار قابل توجه بوده تا جایی که یک فصل مستقل از کتابش را به بیان و توصیف این نقش حضرت عباس(ع) اختصاص می‌دهد. داشتن چنین نقشی برای ایشان، در کنار نقش‌های جدی‌تر در ماجرای کربلا – همچون نقش مذاکره کننده امام با لشگریان عمر بن سعد – باعث شگفتی کلوهسی شده است.

آتش و حرارتی که ماجرای کربلا از همان ابتدا در قلب بشریت ایجاد کرد، هر روز گسترده‌تر شده و مخاطبان زیادی را درگیر خود می‌کند. کریستوفر کلوهسی تنها یکی از ده‌ها اندیشمندی است که تحت جاذبه مغناطیسی امام حسین (ع) و ماجرای کربلا قرار گرفته است و سعی نموده تا این علاقه و اشتیاق خود را در قالب نگارش چند کتاب و ایراد سخنرانی‌های متعدد به عرصه نمایش درآورد.

1.Christopher Paul Clohessy.
2.Clohessy, Christopher. Angels hastening : the Karbalā' dreams. GORGIAS PRESS, 2021.
3.Clohessy, Christopher. Half of My Heart : The Narratives of Zaynab, Daughter of 'alī. GORGIAS PRESS, 2020.
4.Clohessy, Christopher. Outrider : Ab Al-Fazl Al-Abbas. GORGIAS PRESS, 2024.

لازم به ذکر است مراد نویسنده از واژه «جلودار» همان معنای علمدار و پیشران است که به دلیل نبود این واژگان در زبان لاتین از کلمه جلودار اسفاده شده است.



تدریس ماگن در یکی از مراکز علمی-سیاسی اسرائیل

زئوف ماگن و مطالعه ایران انقلابی!

زهیر دهقانی آرانی



زئوف ماگن (Ze'ev Maghen)، استاد تاریخ عربی-اسلامی و رییس گروه مطالعات خاورمیانه در دانشگاه بارایلان (یکی از مهمترین مراکز دانشگاهی فعال در عرصه اسلام پژوهی در اسرائیل) است. او عضو چندین مؤسسه پژوهشی و اندیشکده مهم علمی-سیاسی دیگر در اسرائیل نیز هست. با توجه به نوشته‌ها و سخنرانی‌های متعدد زئوف ماگن، می‌توان او را در زمینه‌های فرقه‌شناسی و فقه اسلامی و البته موضوع ایران و تشیع ایرانی متخصص دانست. تسلط بر زبان‌های عربی، فارسی، روسی، انگلیسی، عبری و دیگر گویش‌های یهودی از دیگر مشخصات ماگن است. یکی از ویژگی‌های خاص ماگن آن است که اولاً به تفکرات یهودی وابستگی عمیقی دارد و این امر را می‌توان در گذاشتن کلاه مخصوص یهودیان (کیپا) در بسیاری از جلسات رسمی از او دید. همچنین اگرچه ماگن در سال ۲۰۰۵ از خدمت در ارتش اسرائیل منفک شده ولی همچنان به طور منظم با مراکز نظامی صهیونیستی همکاری علنی دارد.

وی علاوه بر کتابی که به توصیف آن خواهیم پرداخت، چندین مقاله مهم در موضوع ایران دارد که عبارتند از:

- «از دشمن مقتدر تا حریف پوشالی: تغییر در تصویر ایرانیان از رژیم صهیونیستی»(۲۰۰۶)[۳]
- «غیبت همچنان ادامه دارد: منجی‌گرایی شیعی و سیاست خارجی ایران» (بهار ۲۰۰۸) [۴]
- «ریشه‌کن کردن شیطان کوچک: چرا ایران را باید جدی گرفت؟» (ژانویه ۲۰۰۹) [۵]
- «وحدت و هژمونی: نگرش ایرانیان به شکاف سنی و شیعه» (کنفرانس روابط شیعه و اهل سنت در دانشگاه تل آویو - ۲۰۱۰)

پیش از پرداختن به توصیف کتاب، مناسب است به مقاله مهم ماگن (غیبت همچنان ادامه دارد ...) اشاره‌ای داشته باشیم که در آن دیدگاهی عجیب و تا حدودی منحصر به فرد در مورد مهدی‌گرایی در ایران ارائه می‌دهد و مطابق با آن، مدعی می‌شود علی‌رغم شعارهای مهدوی جمهوری اسلامی، تفکر حقیقی سران مذهبی و سیاسی ایران، ضد مهدوی است و تلاش می‌کنند با ادامه دادن باور به غیبت میان ایرانیان، از ثمرات آن استفاده کنند. از همین روست که همه جریانات طرفدار ظهور امام مهدی(ع) توسط جمهوری اسلامی سرکوب شده یا به حاشیه رانده می‌شوند.[۶]

1.https://middle-east.biu.ac.il/en/node/126.

۲.مانند مؤسسه مطالعات استراتژیک بگین-سادات و یا مؤسسه شالوم که توسط مارتین کرامر شاگرد برنارد لوییس معروف ایجاد شده است.

3."From Potent Nemesis to Potemkin Village: A Shift in the Iranian Portrayal of the 'Zionist Regime,'" Israel Affairs, 21 (2006), 27 pp.

4."Occultation in Perpetuum: Shi'ite Messianism and the Policies of the Islamic Republic," Middle East Journal, 62 (2008), 34 pp.

5."Eradicating the "Little Satan": Why Iran Should Be Taken at Its Word," Commentary, 127(1):11-17; https://www.commentary.org/articles/zeev-maghen/eradicating-the-little-satan.

۶. این مقاله در گروه غرب و مهدویت مرکز تخصصی مهدویت ترجمه و نقد شده ولی به دلیل محتوای خاص آن، قابلیت انتشار عمومی ندارد.

شناسنامه کتاب

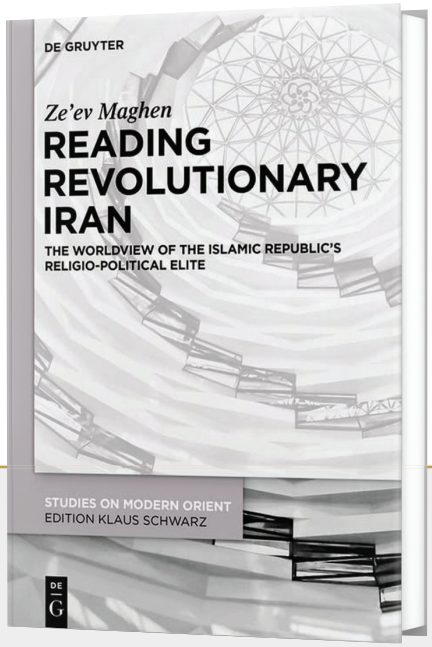
عنوان کتاب:

مطالعه ایران انقلابی: جهان‌بینی نخبگان سیاسی-مذهبی جمهوری اسلامی

نام انگلیسی: Reading Revolutionary Iran: The Worldview of the Islamic Republic's Religio-Political Elite

ناشر: انتشارات بسیار معتبر دگرویتر (de Gruyter)، انتشار در ۲۰۲۳

تعداد صفحات کتاب: ۶۹۰ صفحه!



معرفی مختصر:

این کتاب از دو بخش اصلی تشکیل یافته است. در نیمه اول، نویسنده درصدد آن است که بسیاری پیش‌داوری‌ها و تصورات نادرستی که توسط طیفی از مخالفان داخلی و خارجی در مورد باورها و نظرات حاکم در ایران ارائه شده، اصلاح کند و نشان دهد به عکس برخی توهم‌ها و علی‌رغم مشکلات جدی و غیر قابل انکار که رژیم جمهوری اسلامی هم‌اکنون با آن مواجه است، تشکیلات روحانی شیعه ایران همچنان دارای یک قدرت فلسفی و ایدئولوژیکی (و نه صرفاً نظامی و سرکوب‌گرانه) -هم در داخل و هم در خارج از ایران- می‌باشد. جالب آنست که ماگن بر تأثیر جهانی ایدئولوژی غرب‌ستیز یا منتقد غرب مدرن و پسامدرن -که توسط نظام حاکم و روحانیون ایران تبلیغ می‌شود- تأکید دارد و همین امر را باعث جذابیت ایران برای بسیاری از مردم و صاحب‌نظران جهانی می‌داند.

در بخش دوم نویسنده مدعی است فضایی را جهت ارائه منابع اولیه برای فهم نگرش طبقه علمای مسلمان معاصر که در رأس حکومت ایران در زمینه‌های مختلف و مهم قرار دارند، فراهم کرده است. بحث‌های مختلفی همچون نقش دین در جامعه، رابطه بین دموکراسی و دین‌سالاری، جهان‌بینی مدرن غرب، اختلاف میان شیعه و اهل سنت و برخی موضوعات دیگر، مواردی است که نویسنده بحث‌های مجزایی را بدان اختصاص داده است. شعار ماگن در این بخش آن است که تلاش کنیم بدون واسطه دیدگاه متفکران مسلمان تأثیرگذار در ایران را دریابیم و نه با عینک افرادی که با زاویه و جهت‌گیری خاص، آنها را تحلیل و به جامعه غرب معرفی می‌کنند.

فصل‌های کتاب

- بخش اول: برداشت‌های نادرست از جمهوری اسلامی
- برداشت نادرست از جهان اسلام
- دست کم گرفتن ایران انقلابی
- ماهیت گیج کننده درگیری
- اسلام شیعی و مبارزه برای دموکراسی
- مسائل تصوری و تصدیقی
- اسلام، ناسیونالیسم و نبرد برای روح ایرانی
- تشیع، مشکلات ادراک و ارائه
- بخش دوم: خوانش جمهوری اسلامی
- زمان مقدس شیعه: منشأ نزاع
- فرهنگستان شیعه؛ از حاشیه‌نشینی علی [ع] تا ظهور علما
- یک جامعه مشترک المنافع شیعی؛ صفویان و پس از ایشان
- آیت الله خمینی[ره] و ظهور تشیع انقلابی
- بعد از خمینی[ره]؛ مسیرهای واگرا در جمهوری اسلامی
- ایران چه جایگاهی دارد؟ موفقیت‌ها، شکست‌ها، چالش‌ها
- وحدت یا حقیقت؟ فرقه گرایی شیعی-سنی
- نتیجه: جمهوری اسلامی ایران

کتاب و قلم زئوف ماگن ویژگی‌های خاصی دارد؛ مثلاً توجه به اتفاقات و جزئیات که در کار او نمود بسیار پررنگی دارد. بد نیست در انتهای این نوشته، آخرین پاراگراف کتاب را بازخوانی کنیم:

آینده جمهوری اسلامی نامشخص است. ایران امروز به مثابه کانون حادترین مبارزه میان دو نیرو از قدرتمندترین نیروهایی که بشر تاکنون شناخته یعنی دین و مدرنیته، قرار گرفته و همچون انبار باروتی است که منفجر خواهد شد و بسیاری از سیاست‌ها و عرصه‌های دیگر را -چه در جهت تمایل به سمت سنت یا آزادی یا هردو- نیز با خود منفجر می‌کند. جمهوری اسلامی نه یک رژیم کنارگذاشته شده سرکش، بلکه یک نمونه کوچک از بقیه جامعه بشری است. بر ما لازم است که تحولات نظام خمینی را از نزدیک نظاره کنیم، نه فقط به این دلیل که آنها نماینده «دیگری» هستند، بلکه به این دلیل که نمایش دهنده خودمان هستند.



فیلم تل ماسه، نمونه‌ای آشکار برای تخریب امام مهدی(ع) در سینمای هالیوود

مسعود زائری

صنعت سینمایی جهان غرب که مشخصاً با عنوان هالیوود شناخته می‌شود، از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار رسانه‌ای موجود در جهان است. هالیوود با در دست داشتن عظیم‌ترین کمپانی‌های ساخت فیلم در جهان توانسته است نقش کلیدی خود در تولید محصولات صوتی تصویری از جمله فیلم و سریال را به اثبات رساند. از آنجایی که صنعت سینما یکی از تولیدات تکنولوژیک دنیای غرب است که نمی‌توان آن را جدای از تفکر و تمدن غرب معنا کرد[1]، لازم است هنگام تحلیل محصولات سینمایی هالیوود همواره نگاهی به پشتوانه فکری و تمدنی سازندگان این محصولات داشته باشیم.

تسلط بی چون و چرای جریان یهودی- صهیونیستی بر سینمای هالیوود موجب شده تا دشمنی با اسلام و مسلمانان به یکی از اصول ایدئولوژیک آن تبدیل شود. در بسیاری از فیلم‌های سینمایی هالیوود مانند اسکندر، ۳۰۰، بدون دخترم هرگز و ... شاهد تخریب چهره اسلام و مسلمانان هستیم. با این وجود ورود مستقیم این صنعت سینمایی به خصوص موضوع آخرالزمان و منجی اسلامی چندان مسبوق به سابقه نیست و اگر در فیلم‌هایی نیز این امر وجود داشته، بیشتر به صورت غیر مستقیم و کنایه‌ای بوده است.

اکران فیلم تل ماسه (DUNE) معادلات سینمایی هالیوود در موضوع منجی اسلامی را دستخوش تغییر قرار داد و موجب شد تا دشمنی و تخریب چهره منجی اسلامی در این سینما به مرحله آشکار و علنی تغییر پیدا کند.

فیلم Dune اقتباسی سینمایی موفق از رمانی با همین نام به نویسندگی فرانک هربرت است که در دو قسمت و در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۴ به نمایش درآمد. اکران این فیلم با واکنش‌های وسیعی در سطح جهانی روبرو گشت و همین امر موجب برجسته شدن نام این فیلم در مجامع جهانی شد.

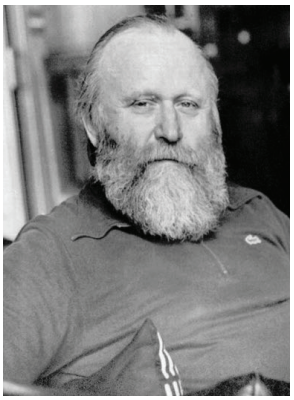
اصلی‌ترین سؤال پیش آمده پس از اکران این فیلم که در مجامع مختلفی مطرح شد، این بود که آیا این فیلم یک اثر منجی‌محور است یا اساساً با محصولی مواجه هستیم که نقد اندیشه موعودگرایی را دنبال می‌کند؟

برای دستیابی به پاسخ این سؤال، دقت در مصاحبه‌های نویسنده رمان تل ماسه بسیار راه‌گشاست. وی در برخی مصاحبه‌های تلویزیونی، انگیزه‌اش را از نگارش این کتاب، نقد قهرمان‌محوری و رهبری ارائه شده توسط ادیان و مکاتب مختلف بیان کرده است. هربرت عقیده دارد اینکه دسته‌ای از انسان‌ها سرنوشت خود را به

۱. خندقی، آخرالزمان و آینده گرایی سینمایی، ص۷۰.



دست یک رهبر می‌سپارند از عمده‌ترین اشتباهات راهبردی آن‌ها است. بر همین اساس فیلم ساخته شده از این رمان نیز به دلیل پایبندی مضمونی به آن، در حقیقت به نقد اندیشه منجی‌محوری پرداخته است و به نوعی مخالف آن به حساب می‌آید.





این فیلم روایت‌گر زندگی انسان‌ها در هزاران سال آینده است و اقوام و تمدن‌های مختلفی را به تصویر می‌کشد. در این فیلم گروهی از زنان شبه جادوگر به نمایش در می‌آیند که به خواهران بَنی جِزریت معروف هستند. رسالت این گروه از زنان، هدایت فکری و عقیدتی اقوام مختلف در راستای پیاده‌سازی اهداف سیاسی و استعماری رهبران و سیاست‌مداران پشت صحنه است.

از جمله موضوعات مهمی که خواهران بَنی جِزریت بر آن تمرکز دارند، موضوع منجی‌سازی و ترویج اعتقاد به منجی است. در جای جای این فیلم می‌توان شواهدی را مشاهده کرد که صراحتاً به این موضوع می‌پردازد و اصل اندیشه موعود و منجی را ساخته شده توسط این گروه معرفی می‌کند.

اعضای فرقه بَنی جِزریت با فعالیت‌های تبلیغی خود در میان اقوام مختلف موجود در فیلم، تمام تلاش خود را می‌کنند تا ظهور منجی مورد نظر خود را میان آنها به یک باور و اعتقاد عمومی تبدیل کنند. فعالیت این گروه در سرزمینی به نام آراکیس - محلی که نمادهای اسلامی در آن به وضوح قابل مشاهده است و به نوعی استعاره‌ای از مسلمانان می‌باشد- نیز از این قاعده مستثنی نبوده و همواره در میان مردم این سرزمین، به کاشت و ترویج اندیشه ظهور یک منجی که «مهدی» یا «لسان الغیب» خوانده می‌شود، مشغول بوده‌اند.

در حقیقت کارگردان فیلم در تطبیق موضوع ساختگی بودن اندیشه موعودگرایی، پا در مسیری مغرضانه گذاشته است و آن را بر منجی اسلامی با نام مهدی تطبیق داده است تا مخاطب فیلم در ضمن آشنایی با ساختگی و دروغین بودن موعود نهایی، مهدی یا لسان الغیب را مصداق این منجی ساختگی بداند.

استفاده از نام های عربی برای منجی این فیلم مثل «لسان الغیب»، «اصول» و از همه مهم‌تر «مهدی»، همچنین نمایش نمادهای مسلمانی برای ساکنان سرزمینی که قرار است موعود به نجات بخشی آنها بپردازد؛ تماماً از مواردی است که سعی در تخریب چهره منجی اسلامی دارد.

شخصی محوری که نام اصلی او در این فیلم پاول می‌باشد، در ابتدای فیلم بارها به گروه خواهران بنی جزریت نسبت به این موضوع اعتراض می‌کند و سوء استفاده از اعتقادات اهالی آراکیس نسبت به منجی را امری مردود و غیر اخلاقی می‌داند؛ با این حال در ادامه داستان و با افزایش محبوبیت خود در میان مردم، دچار وسوسه می‌شود و خودش به سمت سوء استفاده از عقیده منجی‌گرایی این قوم حرکت می‌کند تا به مقام امپراطوری کل تمدن‌های موجود در فیلم دست پیدا کند.

فیلم Dune به عنوان یک نمونه عینی از دشمنی جهان غرب با منجی اسلامی و امام مهدی(ع) می‌تواند برای دغدغه‌مندان عرصه مباحث مهدویت و آخرالزمان حائز اهمیت واقع شود و مقدمه‌ای برای ورود مؤثر در مباحث دشمن‌شناسی قرار گیرد.

THE PROMISED MAHDI

The Promised Mahdi Cultural Foundation

سایت انگلیسی بنیاد مهدی موعود

mahdism.net



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

www.lms.mahdaviat.ir

www.mahdaviat.ir